

آخرین ولیعهد قاجار چه سرنوشتی پیدا کرد

محمدحسن میرزا ولیعهد احمدشاه بعد از خروج از کشور در 43 سالگی در لندن درگذشت.



محمدحسن میرزا ولیعهد احمدشاه بعد از خروج از کشور در 43 سالگی در لندن درگذشت. محمدحسن میرزا فرزند محمدعلی شاه قاجار، نایب السلطنه و ولیعهد برادر بزرگ خود، احمد شاه قاجار در سال 1316 ق/ 1277 ش در تبریز به دنیا آمد. مادرش ملک جهان خانم دختر کامران میرزا پسر ناصرالدین شاه بود. در آن زمان چون احمد شاه فرزند پسری نداشت، محمدحسن میرزا در شعبان 1327 ق به ولایتعهدی او برگزیده شد. پس از پیروزی انقلاب مشروطه، شش ساله بود که به همراه پدرش به تهران آمد. تحصیلات مقدماتی را نزد معلمین سرخانه آغاز نمود و از کودکی به فرماندهی یکی از افواج تعیین شد. به همین سبب از همان ایام لباس نظامی با درجه سرهنگی به تن می‌کرد. سال 1332 ق/ 1914 م با آغاز جنگ جهانی اول و ورود بیگانگان به خاک ایران، اعلامیه بی طرفی ایران از سوی احمد شاه صادر شد. سال بعد با توجه به حضور نیروهای روس در آذربایجان محمدحسن میرزا عازم تبریز شد و مدتی زمام امور آن شهر را در دست داشت و بیشتر اوقاتش در آنجا به اتومبیل و موتورسواری، شکار و موضوع عکس شدن برای عکاسان می‌گذشت. در سال 1337 ق که احمد شاه در آستانه سفر نخست خود به اروپا بود ولیعهد از تبریز به تهران احضار گردید. پس از بازگشت احمد شاه از اروپا محمدحسن میرزا بار دیگر به تبریز بازگشت. پس از چندی شیخ محمد خیابانی ولیعهد را از تبریز اخراج و روانه تهران ساخت. با کودتای سوم اسفند 1299 محمدحسن میرزا پس از آگاهی از ورود نیروهای قزاق به تهران شبانه از کاخ گلستان به فرح آباد تهران نزد برادرش گریخت. پس از کودتا، سید ضیاءالدین طباطبایی از سوی احمد شاه قاجار به نخست وزیری منصوب شد و در طول مدت کوتاه نخست وزیری اش می‌کوشید تا برای مقابله با احمد شاه خود را به گونه ای به ولیعهد نزدیک کند و برای این کار سعی می‌کرد که میان این دو برادر رقابت و دشمنی پدید آورد. سال 1300 سید ضیاءالدین از نخست وزیری عزل و به اروپا تبعید شد و چند روز بعد دولت طی اعلامیه‌ای عزیمت محمدحسن میرزا ولیعهد را جهت معالجه به اروپا اعلام نمود. البته رفتن ولیعهد به اروپا آن هم در پی تبعید سید ضیاءالدین موجب بروز شایعات بسیار مبنی بر مغضوب شدن محمدحسن میرزا نزد احمد شاه گردید. در همان سال، سفر دوم احمد شاه به اروپا در حالی آغاز شد که ولیعهدش در خارج از ایران بود و با موافقت او ولیعهد به تهران بازگشت و تا مراجعت احمد شاه از سفر زمام امور را در دست داشت. دو سال بعد احمد شاه فرمان رئیس الوزرائی سردار سپه را امضا کرد و در غیاب احمد شاه محمدحسن میرزا مأمور رسیدگی به امور کشور گردید. بهمن ماه 1302 دوره پنجم مجلس شورای ملی با نطق محمدحسن میرزا افتتاح شد. البته ولیعهد نمی‌دانست که در واقع مجلسی را می‌گشاید که تا چندی دیگر نخست زمزمه تأسیس جمهوری و سپس سرنگونی قاجارها و تفویض سلطنت به پهلویها را سر می‌دهد. اواخر همان سال در تهران تظاهرات پردامنه‌ای برای تغییر رژیم سلطنتی به جمهوری راه افتاد ولی در اوایل سال 1303 روحانیون رهبری تظاهرات بر ضد جمهوری و سردار سپه را به دست گرفتند و بسیاری از علما و بازرگانان مخالفت خود را با برقراری رژیم جمهوری اعلام کردند. بدین ترتیب سردار سپه که ریاست دولت را در دست داشت طی ملاقاتی با روحانیون به آنان قول داد فکر جمهوریت را تعقیب نخواهد کرد. محمدحسن میرزا که به ظاهر پیروز این جریان بود کوشید با سردار سپه کنار بیاید هر چند احمد شاه در 15 فروردین 1303 طی تلگرافی از اروپا خواستار عزل سردار سپه از ریاست الوزرائی شد ولی مجلس با رد این پیشنهاد بار دیگر به سردار سپه رأی اعتماد داد و از این رو محمدحسن میرزا ولیعهد باز هم ناچار به سازش با رضاخان شد. سرکوبی شیخ خزعل توسط سردار سپه در خوزستان و انتصاب به سمت فرماندهی کل قوا توسط مجلس از طرفی موقعیت سیاسی او را بیش از پیش تقویت نمود و از سوی دیگر موجبات یأس هر چه بیشتر محمدحسن میرزا از بازگشت برادر به وطن و یا به سلطنت رسیدن خود را فراهم می‌ساخت. در سال 1304 با اوجگیری تظاهرات بر ضد سلطنت قاجار مجلس ماده واحده‌ای را مبنی بر برافتادن سلسله قاجار تصویب کرد و حکومت موقتی را به رضاخان پهلوی واگذار نمود. پس از اعلام انقراض سلسله قاجار محمدحسن میرزا ولیعهد در نهایت خفت و خواری از ایران راهی عراق و سپس فرانسه شد. عکس العمل احمد شاه به تصمیم مجلس در خلع قاجاریه تنها ارسال تلگرافی از پاریس بود با این مضمون که وی تصمیم مجلس را نمی‌پذیرد و هنوز خود را پادشاه ایران می‌داند. محمدحسن میرزا در اروپا با عایدی مختصری که به موجب وصیت احمد شاه به او تعلق می‌گرفت با تنگدستی گذران روزگار می‌کرد و در اواخر عمر در صدد کسب اجازه مراجعت به ایران برآمد ولی توفیق نیافت و سرانجام سال 1321 در سن 43 سالگی در لندن در گذشت و پس از چندی پیکر او به کربلا منتقل و در آرامگاه خانوادگی‌اش در جوار حرم امام حسین (ع) مدفون گشت. او فردی فعال و جاه طلب بود و به زبانهای انگلیسی و فرانسه تسلط داشت و حاصل پنج ازدواج او پنج فرزند (سه پسر و دو

